



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

TEHRAN CHAMBER OF COMMERCE,
INDUSTRIES, MINES AND AGRICULTURE

تحلیل ژئوپلتیک حضور چین در آسیای مرکزی

زنجیره تامین چین-آسیای مرکزی

پاییز ۱۴۰۱

اتاق فکر ژئوپلتیک

مقدمه

آسیای مرکزی از مناطق ژئوپلتیک برای چین محسوب می‌شود و بویژه از نظر سیاسی و امنیتی و همچنین اقتصاد حمل‌ونقل دارای اهمیت راهبردی است. لذا نقش چین در این منطقه به طور دائم در حال افزایش است و همچنان تلاش می‌کند، شراکت تجاری خود با تمام کشورهای آسیای مرکزی را افزایش دهد. در این راستا چین سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی بویژه در بخش‌های انرژی و حمل‌ونقل را در این منطقه صورت داده است. کشورهای آسیای مرکزی نیز به نوبه خود از ابتکارات و استراتژی‌های بزرگ چین حمایت و فعالانه در اجرای آن‌ها مشارکت می‌کنند. این اهمیت از نزدیکی جغرافیایی آسیای مرکزی، به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر ثبات و توسعه مناطق غربی چین نشأت گرفته که از طریق آن ارتباط منطقه‌ای بین آسیای مرکزی و چین با اروپا و خاورمیانه از طریق پروژه‌های ابتکاری کمربند و جاده افزایش یافته است.

در دومین نشست وزرای خارجه چین و آسیای مرکزی (C+C5) که در ۱۲ می ۲۰۲۱ در شیان برگزار شد؛ وانگ یی، وزیر امور خارجه چین از هر دو طرف خواست تا روش جدیدی از همکاری‌های منطقه‌ای را بررسی و جامعه‌ای با آینده‌ای مشترک ایجاد کنند. با توجه به این پیشینه، فرصت‌های تجاری بین چین و آسیای مرکزی دارای دورنمای روشنی به نظر می‌رسد. روابط اقتصادی و تجاری این دو منطقه به اوایل دهه ۱۹۹۰ برمی‌گردد. متعاقباً، در طول ۳۰ سال گذشته، تجارت دوجانبه از جمله تجارت مواد مصرفی ساده تا محصولات با فناوری پیشرفته رشد قابل توجهی داشته است.

تحلیل موقعیت جهانی چین

واقعیت‌های درونی و بیرونی چین و انبساط و انقباض محیط پیرامونی چین آن‌ها را وادار به تولید مدل برای ارتباط با کشورها و حوزه‌های ژئوپلتیک می‌کند. از همین روی، شاید دیگر نتوان با اعتبارسنجی و شاخص‌های غربی زنجیره تامین چین را ارزیابی کرد. برای نمونه، مواردی مانند هوا - فضا و کوانتوم، مولفه‌های نوینی هستند که مدل بازی را تغییر می‌دهند. در زنجیره تامین چین نوعی توسعه مدل وجود دارد که طرح ابتکار کمربند و جاده یا زنجیره مروارید مبتنی بر آن است.

- بر این اساس به نظر می‌رسد، سازمان همکاری شانگهای در اولویت زنجیره تامین چین قرار دارد. از همین روی، نمی‌توان آن را در چارچوب سیاست همسایگی با آسیای مرکزی توضیح داد.

این‌که استراتژی چین در آسیای مرکزی اجباری یا اختیاری است، بستگی به تحولات و میزان فشار غرب در حوزه پاسفیک (اقیانوس آرام) دارد. از همین روی، شی جین پینگ در پی آشتی کوتاه‌مدت با بایدن است، چون بر اساس تحلیل‌های چین هنوز میزان «فرورفتگی» چین در محیط پیرامون تکمیل نشده است.

- چینی‌ها در مرحله پوست‌اندازی مدیریتی در درک جهان فرارو و نقش خود در جهان و منطقه هستند و از اصلاحاتی مانند «وابستگی متقابل پیچیده» استفاده می‌کنند. چون به باور آن‌ها در راستای هژمون‌سازی پیچیدگی بالایی وجود دارد.
- آمریکا موفق به سهم کردن اروپا در امنیتی کردن چین شده است، به طوری که در ادبیات عمومی اروپا از چین به عنوان «رقیب سیستماتیک» یاد می‌کنند.
- چینی‌ها در حوزه رابطه با ایالات متحده، از بحث «تعامل» عبور و به بحث «موازنه» ورود کرده‌اند. از همین روی، باور عمومی در چین مبتنی است بر این که پنجره فرصت تاریخی در حال بسته شدن است که در این صورت اصطلاح «وابستگی متقابل پیچیده» مفهوم می‌یابد.
- اخیراً توماس فریدمن در مقاله خود از اصلاح «چکزیت» استفاده می‌کند، یعنی همان‌طور که انگلستان از اتحادیه اروپا خارج شد و یا روسیه و اروپا مقابل همدیگر ایستادند، چین نیز از مدار تعامل با ایالات متحده جدا می‌شود.
- همسایه‌های چین از نظر امنیتی زیر چتر غرب هستند، اما نفوذ پکن در آسیای مرکزی و قفقاز بیشتر شده است.
- ارتباط وثیقی بین هژمون‌سازی و پیروزی در «رقابت بزرگ» چین با زنجیره تامین آسیای مرکزی وجود دارد. چین به دلایل مختلف نمی‌تواند با مغولستان، کره جنوبی، ژاپن، پنج برب آسیا و هند همکاری راهبردی داشته باشد، از همین روی آسیای مرکزی فرصت استراتژیک برای پکن محسوب می‌شود.
- برای چین ۳ حوزه نفوذ اقتصادی وجود دارد؛
 ۱. کشورهای مشترک‌المنافع: روسیه سعی کرده است با ایجاد زیرساخت و نفوذ امنیتی، محوریت خود را در آن حفظ کند. چین در حوزه امنیتی این کشورها نفوذ نداشته، اما در مورد مباحث مربوط نظامی با برخی کشورها مانند قزاقستان همکاری دارد.
 ۲. کشورهای ترک‌زبان: در این حوزه نیز رویکردها و بازی‌های ترکیه برای چین مهم خواهد بود.
 ۳. کشورهای آسیای مرکزی: اروپایی‌ها تلاش دارند بر این بخش تمرکز کنند، برای نمونه راهبرد آلمان همکاری با تاجیکستان بوده که در واقع آن نیز معطوف به چین است.
- در سال‌های آتی آسیای مرکزی برای چین و آمریکا اهمیت بیشتری خواهد داشت، اما واشنگتن ابزارهای تاثیرگذاری اندکی نسبت به پکن دارد و بیشتر توجه خود را معطوف به حوزه و توسعه همکاری‌های موسوم به هند-پاسفیک (با همکاری هند، استرالیا، ژاپن و ایالات متحده) کرده است. از دل این رقابت، اهمیت و نمود ژئوپلیتیکی BRI برای چین نمایان می‌شود.

- بر اساس اسناد و داده‌ها؛ BRI به عنوان همگرایی دولت‌محور است که در آن همکاری با ایران، قزاقستان و ونزوئلا بر اساس حوزه انرژی تعریف شده است. همچنین ایران پس از قدرت‌های بزرگ، میانی و همسایگان در لایه چهارم اولویت‌های چین در این پروژه و سیاست خارجی تعریف شده است.

تحلیل روندهای حضور چین در آسیای مرکزی

در ۲۵ ژانویه ۲۰۲۲، رئیس‌جمهور چین، شی جین پینگ، میزبان پنج رهبر آسیای مرکزی برای بزرگداشت سی‌امین سالگرد روابط دیپلماتیک بین چین و کشورهای آسیای مرکزی بود. در این اجلاس، چین اعلام کرد که سطح تجاری بین چین و منطقه را تا سال ۲۰۳۰ به ۷۰ میلیارد دلار افزایش خواهد داد. این نشست، یکی از نمونه‌های تعامل فزاینده چین با منطقه است. درک این که چرا آسیای مرکزی برای چین مهم شده، بویژه در زمان‌های اخیر، دارای اهمیت است. ابتکار کمربند - جاده (BRI) در سفر رئیس‌جمهور چین شی جین پینگ به آستانه - پایتخت پیشین قزاقستان - در سپتامبر ۲۰۱۳ راه‌اندازی شد، جایی که وی بر نقش حیاتی کشورهای آسیای مرکزی در چرخش چین به اروپا تأکید کرد. طرح «کمربند - جاده» یک ابتکار بزرگ برای افزایش پیوندهای اقتصادی چین با آسیای جنوب شرقی، آسیای مرکزی، روسیه و اروپای مرکزی و شرقی است.

- در دو دهه گذشته، چین به یک بازیگر اصلی در سیستم مالی بین‌المللی تبدیل شده است و سه کشور آسیای مرکزی در میان ۵۰ دریافت‌کننده بدهی مستقیم چینی قرار دارند - قرقیزستان با ۳۰/۵ درصد تولید ناخالص داخلی در رتبه پنجم، تاجیکستان با ۱۶/۱ درصد در رتبه ۱۹، ازبکستان با ۷/۵ درصد تولید ناخالص داخلی در رتبه ۳۹ قرار دارند.

- اولویت چین در آسیای مرکزی به ترتیب قزاقستان، تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان و قرقیزستان است. البته احتمال تغییر در این ترتیب وجود دارد، اما به طور طبیعی قزاق‌ها در رتبه نخست باقی خواهند ماند. تاجیک‌ها نیز به دلیل مسائل امنیتی بویژه در سین‌کیانگ به عنوان «سپر» برای پکن محسوب می‌شوند. ازبکستان نیز به عنوان «هسته» آسیای مرکزی بوده و تنها کشور منطقه است که با چهار کشور دیگر ارتباط دارد.

- از نگاه چین، آسیای مرکزی منطقه‌ای از ترک‌ها و مغول‌ها هستند که به سرزمین اصلی چین چشم طمع دارند. بنابراین با وجود ایغورها، خوجه‌ها و دیگر گروه‌های «غیر هان»، این منطقه به طور بالقوه برای چین به عنوان تهدید بوده است.

- چین همیشه آسیای مرکزی را به عنوان حلقه اصلی ابتکار کمربند - جاده (BRI) می‌داند و در این میان قزاقستان از اهمیت بالایی برخوردار است. به طوری که در سال ۲۰۱۸، چین تصمیم به سرمایه‌گذاری ۳۰ میلیارد یوانی در این کشور گرفت.

- اروپا به ابتکار کمربند - جاده چین مشکوک است و احتمالاً به آن آسیب نیز بزند. باید توجه داشت که ۳۰ درصد سود مورد انتظار BRI در آسیای مرکزی محقق نشده است.
- کشورهای آسیای مرکزی تلاش می‌کنند ارتباطات خود با روسیه را کاهش و در مقابل اتصال به جنوب و غرب خود را تقویت کنند. یعنی اهمیت ایران و ترکیه برای این منطقه دو چندان می‌شود. باید توجه داشت که ترک‌ها در شناسایی روندها موفق بوده و در همین راستا، بحث کریدور «زنگزور» و سرمایه‌گذاری در بندر ترکمن‌باشی را مطرح می‌کنند و همچنین در بندر اکتائو قزاقستان مهم‌ترین همکار چین محسوب می‌شوند.
- در حالی که آسیای مرکزی در میان شرکای تجاری چین رتبه بالایی ندارد و حدود یک درصد از کل واردات و صادرات چین را به خود اختصاص می‌دهد، چین مهم‌ترین شریک تجاری آسیای مرکزی است. طبق آمار رسمی در سال ۲۰۱۹، چین بزرگ‌ترین شریک تجاری قرقیزستان و ازبکستان از نظر واردات و بزرگ‌ترین شریک تجاری ترکمنستان از نظر صادرات است.
- چین همچنین به عنوان مقصد واردات و صادرات سایر کشورهای آسیای مرکزی رتبه بالایی دارد. از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹، صادرات کالا از کشورهای آسیای مرکزی به چین با رشد ۳۵ درصدی از ۱۵ میلیارد دلار به ۲۰ میلیارد دلار افزایش یافته است که قزاقستان، تاجیکستان و ازبکستان سریع‌ترین رشد را با بیش از ۵۰ درصد داشته‌اند.
- در همین بازه زمانی، کالاهای صادراتی از چین به کشورهای آسیای مرکزی با ۴۹ درصد افزایش از ۱۷/۵ میلیارد دلار به ۲۶/۲ میلیارد دلار افزایش یافت. ازبکستان بیشترین رشد خرید از چین را با رشد ۱۲۶ درصد داشته، در حالی که کالاهای صادراتی از چین به تاجیکستان و ترکمنستان کاهش یافت.
- چین تراز تجاری مثبت خود را با تمام کشورهای آسیای مرکزی به جز ترکمنستان حفظ کرده است. این امر عمدتاً به دلیل مشارکت کم ترکمنستان در زنجیره تامین بین‌المللی و میزان خودکفایی بالای آن در تامین نیازهای اساسی روزانه، انرژی و مواد غذایی است. علاوه بر این، ترکمنستان از نظر منابع معدنی و انرژی غنی است که بیش از ۹۰ درصد صادرات آن را به خود اختصاص می‌دهد.

تحلیل زنجیره تامین چین در آسیای مرکزی

الف. چین - قزاقستان؛

- بر اساس داده‌های سال ۲۰۱۹، چین دومین شریک تجاری بزرگ قزاقستان است. واردات قزاقستان از چین ۱۷ درصد (۶/۵ میلیارد دلار) و صادرات آن به چین ۱۳/۶ درصد (۷/۸ میلیارد دلار) بوده است.
- تجارت بین چین و قزاقستان طی پنج سال گذشته به طور پیوسته و با نرخ متوسط سالانه ۱۶ درصد افزایش یافته است.

- قزاقستان عمدتاً نفت خام، گاز نفتی، مس تصفیه شده، فروآلیاژها و مواد شیمیایی رادیواکتیو صادر می‌کند که مقاصد اصلی آن عبارتند از چین، ایتالیا، روسیه، هلند و فرانسه.
- از اواسط دهه ۲۰۱۰، قزاقستان پس از یک افت طولانی، صادرات غیرهیدروکربنی و فلزی خود به چین را به طور متوسط افزایش داده است.
- از سال ۲۰۱۲، چین بزرگ‌ترین خریدار اورانیوم قزاقستان بوده است.
- عمده واردات قزاقستان شامل دارو، گاز نفتی، خودرو، تجهیزات پخش و هواپیما، هلیکوپتر و ... است که بیشتر آن‌ها را از روسیه، چین، کره جنوبی، آلمان و ایتالیا تامین می‌کند.

ب. چین - ازبکستان؛

- از نظر واردات، چین بزرگ‌ترین شریک تجاری ازبکستان است که ۲۳/۱ درصد از کل واردات ازبکستان را به خود اختصاص داده است.
- از نظر صادرات، چین سومین شریک تجاری بزرگ ازبکستان بوده که ۱۲/۳ درصد از کل صادرات ازبکستان را به خود اختصاص داده است.
- عمده واردات ازبکستان قطعات خودرو، داروهای بسته‌بندی شده، نفت تصفیه شده، خودروها و هواپیماها، هلیکوپترها و ... هستند. این کشور بیشتر اقلام خود را از چین، روسیه، کره جنوبی، قزاقستان و ترکیه وارد می‌کند.
- در سال‌های اخیر، ازبکستان واردات خودرو و قطعات آن، ماشین‌آلات و لوازم مرتبط و تجهیزات الکتریکی را از چین افزایش داده است.
- ازبکستان عمدتاً طلا، گاز نفتی، نخ پنبه خالص، مس تصفیه شده و پلیمرهای اتیلن صادر می‌کند. صادرات مس و پلاستیک ازبکستان به چین طی پنج سال گذشته با رشد سالانه بیش از ۱۰۰ درصد به شدت افزایش یافته است.

ج. چین - قرقیزستان؛

- در بخش واردات، چین بزرگ‌ترین شریک تجاری قرقیزستان است.
- در بخش صادرات، چین ششمین شریک تجاری قرقیزستان در سال ۲۰۱۹ است که چهار درصد از کل صادرات آن را به خود اختصاص داده است.
- قرقیزستان عمدتاً نفت تصفیه شده، کفش لاستیکی، کت زنانه، ژاکت بافتنی، و کت و شلوار مردانه وارد می‌کند. این کشور بیشتر از چین، روسیه، قزاقستان، ازبکستان و ترکیه واردات دارد.

- مهم‌ترین صادرات قرقیزستان طلا، سنگ معدن فلزات گرانبها، حبوبات خشک، نفت تصفیه شده و قراضه مس است. این کشور بیشتر به بریتانیا، قزاقستان، روسیه، ازبکستان، ترکیه و چین صادرات دارد.

د. چین - تاجیکستان؛

- از نظر واردات، چین سومین شریک تجاری بزرگ تاجیکستان است که ۱۸/۲ درصد از کل واردات آن را با ارزش ۶۰۵ میلیون دلار به خود اختصاص داده است.
- از نظر صادرات، چین پنجمین شریک تجاری بزرگ تاجیکستان بوده که پنج درصد از کل صادرات آن را به خود اختصاص داده است.
- اگرچه چین بزرگ‌ترین شریک تجاری تاجیکستان نیست، اما در سال ۲۰۱۹، چین به سریع‌ترین رشد بازار صادرات (با ۱۰/۵ درصد افزایش) و بازار واردات (با ۱۳/۱ درصد افزایش) تبدیل شد.
- صادرات اصلی تاجیکستان به جهان شامل طلا، آلومینیوم خام، پنبه خام، سنگ معدن روی و سایر سنگ‌های معدنی است. مهم‌ترین مقاصد صادراتی ترکیه، سوئیس، ازبکستان، قزاقستان و چین هستند.
- عمده واردات تاجیکستان نفت تصفیه شده، گندم، گاز نفتی، اکسید آلومینیوم و هواپیما و هلیکوپتر و ... است. این کشور بیشتر از چین، روسیه، قزاقستان، ازبکستان و ترکیه وارد می‌کند.

ه. چین - ترکمنستان؛

- در بخش صادرات، چین بزرگ‌ترین شریک تجاری ترکمنستان است که ۸۰/۲ درصد از کل صادرات ترکمنستان به ارزش ۸/۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ را به خود اختصاص داده است.
- عمده‌ترین صادرات ترکمنستان گاز، نفت، نفت تصفیه شده، نفت خام، نخ پنبه خالص غیر خرده‌فروشی و کودهای نیتروژن‌دار است. ترکمنستان ۹۴ درصد از تولید گاز طبیعی خود را در سال ۲۰۱۷ به چین صادر کرد که ۵۰ درصد بیشتر از سال ۲۰۱۲ بود. ترکمنستان مقدار قابل توجهی (۳۰ تا ۴۰ درصد) گاز طبیعی چین را تامین می‌کند. چین هزینه تمام زیرساخت‌های خط لوله را پرداخت کرده است تا این گاز طبیعی را از چهار کشور آسیای مرکزی به چین برساند. در نتیجه، چین منافع عمده‌ای در تضمین ثبات در ترکمنستان برای جبران سرمایه‌گذاری خود دارد.
- عمده واردات ترکمنستان لوله‌های آهنی بزرگ، ماشین‌آلات برداشت، داروهای بسته‌بندی شده، تجهیزات پخش و تراکتور است که بیشتر از ترکیه، روسیه، چین، امارات متحده عربی و آلمان وارد می‌شود.

راهبرد ایران در زنجیره تامین چین و آسیای مرکزی

اگر چین در رقابت بزرگ پیروز شود، آنگاه تبدیل به «هژمون‌ساز» می‌شود. سپس با استفاده از شاخص‌های شبکه‌سازی، جمعیت و قدرت تولید خود حرکت رو به جلو داشته که در این صورت نیازمند یارگیری هم خواهد بود. در این صورت، بحث بلوک‌بندی و تبعیت مطرح می‌شود، بنابراین ایران باید مدل رابطه خود با چین را تعریف کند تا به تقلیدگر تاکتیکی تبدیل نشود.

• در روابط ایران و چین سه رویکرد می‌تواند مطرح شود:

۱. پیوستگی یا حتی وابستگی به چین
 ۲. رویکرد «پل-سپر»: یعنی ایران به عنوان سپر استراتژیک چین، نقش کریدوری داشته باشد.
 ۳. ترکیب منطقه یا پایانه: که در راستای منافع ملی بوده و بر اساس زنجیره تامین است. یعنی اگر ایران در چارچوب پایانه تعریف شود، می‌تواند هم در تامین سرمایه موفق شود و هم برای چین جذابیت ایجاد کند.
- ایران باید ذهنیت استراتژیک چین را تحت تاثیر قرار دهد، از همین روی، احتیاج به گفت‌وگوی راهبردی بر اساس سیاست ترکیبی منطقه‌ای و پایانه دارد که خروجی آن، موازنه در سیاست خارجی است. همچنین ایران می‌تواند (در صورت رفع تحریم‌ها) به عنوان مرکز صادرات مجدد چین شود.
 - در موضوع زنجیره تامین، دولت ایران خود را بر اساس کریدورها تعریف کرده و هنوز وارد سیستم انبار، جذب سرمایه و صادرات مجدد نشده و تنها صادرات مواد خام دارد.
 - به نظر می‌رسد ایران هنوز اولویت همکاری خود با چین را تعریف نکرده و مشخص نیست که آیا می‌تواند از همکاری پولی و بانکی با پکن بهره‌مند شود یا خیر؟ اما آنچه روی داده، این است که همکاری تجاری و کالایی با چین به دلیل تحمیل شرایطی مانند تحریم است.
 - ایران باید بتواند عملکرد بهتری در جذب سرمایه‌گذاری چینی‌ها داشته باشد، هلدینگ‌های بزرگ را درگیر، ریسک صادرات را پوشش و ظرفیت خود را تبدیل به «اعتبار» کند. همچنین قدرت موازنه‌سازی در معادلات انرژی را افزایش دهد.
 - با توجه به این که چین در زنجیره تامین کاستی زیادی ندارد، ایران با توجه به نیروی کار ارزان و موقعیت سرزمینی می‌تواند در زنجیره ارزش با چین همکاری کند.
- به نظر می‌رسد از این پس خاورمیانه اهمیت خود را از دست داده و آسیای غربی بزرگ از کاشغر تا دره نیل به وجود آید که بازیگری قدرت‌های بزرگ مانند ایالات متحده، چین و روسیه باعث تشکیل همبسته می‌شود. بنابراین محورهای تهدید دیگر جنوبی و غربی نخواهند بود، بلکه شمالی و شرقی هستند. تمایل چینی‌ها به

سرمایه‌گذاری در خطوط ریلی تهران - سنندج یا کرمانشاه - بغداد نیز در همین راستاست و نشان‌دهنده تمایل آن‌ها در دسترسی به دریای مدیترانه است.

• نگاه ایران به آسیای مرکزی بیشتر معطوف به جناح جنوبی آن یعنی تاجیکستان، ترکمنستان و تا حدودی ازبکستان است که ریشه در دلایل تاریخی، تمدنی و خطوط انرژی دارد. چون ایران، آسیای مرکزی را به عنوان یک کل همبسته در نظر نمی‌گیرد، بنابراین لازم است که روی کشورها و جناح‌ها یک طرح و برنامه مشخص طراحی کند.

• ایران به لحاظ ژئوپلیتیکی، نمی‌تواند دنباله‌رو قطب‌های بزرگ باشد، چون دچار «تنهایی استراتژیک» است و باید زندگی در شکاف‌ها را بیاموزد که نمونه بارز آن آسیای مرکزی است.

معمولاً فرض می‌شود که برای افزایش حضور و نفوذ ایران در پویایی اقتصادی و زنجیره تامین آسیای مرکزی، باید همکاری با دو قدرت بزرگ روسیه و چین را در نظر گرفت تا نقش‌آفرینی کشور افزایش یابد.

• چین مسیر رشد اقتصادی را از دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی با نرخ ۸ تا ۱۲ درصد ادامه داد و وارد سازمان تجارت جهانی شد. اما رشد اقتصادی این کشور، به ۴ درصد کاهش یافته است که شاید نشان از عدم امکان رشدهای شتابان قبلی است.

• بر اساس اسناد استراتژی امنیت ملی ایالات متحده آمریکا، بازه زمانی ۲۰۲۰ تا ۲۰۳۰ دهه «تعیین‌کننده» برای چین است. زیرا طبق ارزیابی‌های صورت گرفته، پنجره فرصت چین برای تثبیت قدرت در نظم جهانی، تایوان و دریای چین به اندازه این یک‌دهه است، چون این کشور در «تله درآمد متوسط» افتاده و تلاش ایالات متحده برای مهار چین باعث کاهش وابستگی هم‌پیمانانش مانند ایتالیا به چین شده است. همچنین بسیاری از کشورها از سیاست «تله بدهی» چین نگران هستند و همه این موارد در کنار احتمال برخورد نظامی بین چین و آمریکا، موجب آسیب به قدرت جهانی چین می‌شود.

روسیه به دلیل جنگ اوکراین تضعیف شده است، و درآمد آسیای مرکزی از روسیه و همچنین سرمایه‌گذاری روسیه در این منطقه کاهش یافته است. آسیای مرکزی در میان دو لبه قیچی روسیه و چین است. احتمال افول این دو قدرت می‌تواند تصور کشورهای آسیای مرکزی از مفصل ارتباطی بین آسیا و اروپا را به سراب تبدیل کند. بنابراین اکنون این کشورها احساس می‌کنند این چشم‌انداز با گستردگی راهبردی گذشته دیگر وجود ندارد.

• ایران می‌تواند از عدم قطعیت در آسیای مرکزی بهره بگیرد. این پنج کشور منطقه دچار حفره جغرافیایی هستند و ایران می‌تواند «فضای تنفسی» را برای این کشورها فراهم کند. یعنی به جای کریدور شرق - غرب همان کریدور شمال - جنوب را پیشنهاد دهد که باعث نگرانی و وابستگی این کشورها به چین و روسیه بوده است.

- در چارچوب زنجیره تامین آسیای مرکزی، ایران می‌تواند این منطقه را از طریق کریدور شمال - جنوب به خلیج فارس متصل کند و در انتقال مواد خام و مهارت‌های فنی همکاری داشته باشد.
- مزیت ایران بخاطر موقعیت جغرافیایی و اتصال آسیای مرکزی به آب‌های آزاد است، از همین روی ایران نباید این موقعیت را به طرح ابتکار کمربند و جاده واگذار کند که هیچ مزیتی در آن ندارد و از جهاتی با کریدور شمال - جنوب رقیب است.
- جنگ روسیه و اوکراین و همچنین تنش در دریای چین، احتمالاً کشورهای آسیای میانه را به سمت جنوب خود و دسترسی به سواحل مکران سوق دهد. بنابراین چین را ترغیب به سرمایه‌گذاری در مکران کرده تا اتصال کشورهای آسیای میانه به ایران محقق شود.
- ایران از نظر امنیتی برای چین مهم است و تهران می‌تواند آن را به دستاورد اقتصادی و کریدوری تبدیل کند.

اقدامات پیشنهادی

- ایران از نظر جغرافیایی می‌تواند از طریق خطوط لوله هیدروکربنی چین را تامین کند که به دلایل عدیده از جمله ضعف تحلیل و سیاست‌گذاری و ... مسیرهای خطوط لوله ایران به سمت شرق نبوده است.
- اتصال ایران - چین - آسیای مرکزی، آرزوی دیرین چین است. هدف راهبردی ایران باید اتصال حداقل دو خط لوله نفت و گاز از طریق آسیای مرکزی به چین باشد که برای هر دو طرف مهم است.
 - با توجه به روندهای کنونی جهانی، اتصال ایران به سمت شمال شرقی خود اهمیت راهبردی دارد، لذا ایران باید محور شرقی کریدور شمال - جنوب را فعال کند.
 - در بخش‌های حمل‌ونقل، مخابرات و جاده، ایران و چین می‌توانند در آسیای مرکزی همکاری کنند.
 - تاکید و سرمایه‌گذاری بر مسیر کریدوری آسیای مرکزی - ایران - عمان حرکتی اساسی است.
 - **برای غلبه بر مشکلات اقتصادی ایران در آسیای مرکزی اقدامات زیر انجام شود:**
 ۱. تمرکز بر بخش‌های مکمل اقتصاد ایران و آسیای مرکزی
 ۲. افزایش سرمایه‌گذاری و ارتقای تکنولوژی ایران در این کشورها
 ۳. کاهش تعارضات با نظام‌های سیاسی سکولار این کشورها
 ۴. تهیه سند ملی برای منطقه آسیای مرکزی.